

غرب زدگی

جلال آل احمد

www.ketab.ir

سرشناسه:	آل احمد، جلال، ۱۳۰۲ - ۱۳۴۸ .
عنوان و پدید آورنده:	غرب زدگی / جلال آل احمد.
مشخصات نشر:	قم، سرای کتاب ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری:	۱۴۴ صفحه
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۲۶-۹-۴
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع:	ایران - تاثیر غرب
موضوع:	غرب زدگی
موضوع:	ایران - زندگی فرهنگی
رده بندی کنگره:	ب ۱۳۹۵ ۲ ۲ ۶۵ / DSR
رده بندی یوبی:	۹۵۵/۰۰۴۴
شماره کتاب شناس ملی:	۴۶۰۰۴۹۸

انتشارات سرای کتاب

۰۹۱۷۷۱۷۱۸۷

عنوان کتاب: غرب زدگی

نویسنده و پژوهشگر: جلال آل احمد

طرح جلد و صفحه آرایی: سید جواد حائری

ناشر: سرای کتاب

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۵

قیمت: ۷۵۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

مست

- پیشگفتار ۷
- پیش در آمد ۷
- طرح یک بیماری ۱۰
- نخستین ریشه های بیماری ۲۳
- سر چشمه اصلی سبل ۳۵
- نخستین گنبدیدگی ها ۴۷
- جنگ تضادها ۵۷
- راه شکستن طلسم ۷۵
- خری در پوست شیر، یا شیر علم ؟ ۹۱
- اجتماعی به هم ریخته ۱۰۱
- فرهنگ و دانشگاه چه می کنند؟ ۱۱۱
- کمی هم از ماشین زدگی ۱۲۳
- اقتراب الساعه ۱۴۱

پیشگام

خوانندگان این متن توجه خواهند داشت که اسنادهای مؤلف به اشخاص و ارقام، شواهدی هستند که چهل و شش سال پیش (سیزده سال قبل از انقلاب اسلامی ایران) مورد استناد قرار گرفته است. مؤلف (جلال آل احمد) آخرین بازنویسی این متن را در سال ۱۳۴۳ انجام داده است.

پیش در آمد

طرح نخستین آنچه در این دفتر خواهید دید، گزارشی بود که به «شورای هدف فرهنگ ایران» داده شد. در دو مجلس و جلسات متعدد آن شورا، چهارشنبه ۸ آذر ۱۳۴۰ و چهارشنبه ۲۷ دی ۱۳۴۰ مجموعه گزارش‌های اعضای آن شورا در بهمن ۱۳۴۰ از طرف وزارت فرهنگ منتشر شد. اما جای این گزارش البته در آن صفحات نبود که نه انتشار را داشت و نه امکانش را. هنوز موقع آن نرسیده است که یکی از دواeer وزارت فرهنگ بتواند چنین گزارشی را رسماً منتشر کند. گرچه موقع آن رسیده بود که اعضای محترم آن شورا تحمل شنیدنش را بیاورند.

ناچار این گزارش منتشر نشده ماند و نسخه‌های ماشین شده آن، به دست این دوست و آن بزرگوار رسید که خواندند و زیر و روash کردند و به پیراستنش یادآوری‌ها نمودند. از جمله این سروران، یکی دکتر محمود

هومن بود که سخت تشویق‌م کرد به دیدن اثری از آثار «ارنست یونگر» آلمانی، به نام «عبور از خط» که مبحثی است در نیهیلیسم، چرا که به قول او ما هر دو در حدودی یک مطلب را دیده بودیم، اما به دو چشم و یک مطلب را گفته بودیم اما به دو زبان و من که زبان آلمانی نمی‌دانستم دست دامان خود او شدم و سه ماه تمام هفته‌ای دست کم دو روز و روزی دست کم سه ساعت، از محضرش فیض‌ها بردم و تلمذها کردم و چنین شد که «عبور از خط» به تقریر او و تحریر من ترجمه شد.

در همین مسیر و دار بود که «کتاب ماه» کیهان راه افتاد. اوایل ۱۳۴۱. حاوی فصل اول «عبور از خط» و ثلث اول «غرب زدگی» و همین ثلث اول، «کتاب ماه» را به توقیف افکند و عاقبت کارش به آن جا کشید که هسته «غرب زدگی» را ببیند در «کیهان ماه» بشود که خود یک شماره بیش‌تر دوام نکرد.

اما متن «غرب زدگی» را من در مهر ۱۳۴۱ در هزار نسخه منتشر کردم، به استقلال و اینک همان متن با گزایش‌ها، کاهش‌هایی و با تجدید نظری در احکام و قضاوت‌ها.

همین جا بیاورم که من این تعبیر «غرب زدگی» را از افادات شفاهی سرور دیگرم حضرت احمد فردید گرفته‌ام، که یکی از شرکت‌کنندگان در آن شورای هدف فرهنگ بود و اگر در آن مجالس داد و ستد می‌شد، یکی میان من و او بود (که خود به همین عنوان حرف و سخن‌های دیگری دارد و بسیار هم شنیدنی) و من امیدوار بودم که جسارت این قلم او را سر حرف بیاورد.

و اکنون این متن چاپ دوم چیزی شده است، اندکی مفصل‌تر از اولی، که یک بار در اواخر ۱۳۴۲ نوشت‌م، برای چاپ دومی در نسخ فراوان و به قطع جیبی، که زیر چاپ توقیف شد و ناشرش (بنگاه جاوید) ورشکست، که روی من سیاه، اما مگر از پای می‌شود نشست؟ این بود که بار دیگر

در فروردین ۱۳۴۳ آن را از نو نوشتم و فرستادم فرنگ به قصد این که به دست جوانان دانشجوی مقیم آن دیار چاپ و منتشر بشود، که نشد و مال بدببخ ریش صاحبش، برگشت که می بینید. با همه ی آرایش و پیرایشی که دیده و می بخشید که حوصله از نو نوشتنش نیست که اگر چنین می کردم، اکنون کار دیگری پیش روی تان بود و اما در این مدت چند بار در تهران و یک بار در کالیفرنیا چاپ عکسی همان متن اول مخفیانه و بی صدا حدید مرحوم نویسنده منتشر شد و چه پول های گزافی که بندگان خدا به خرید آن ها کردند و سر سانسور سلامت باد که حق نشر اثری را از صاحبش می گیرد و عملاً به دیگران می دهد که دلی دارند و بازار یابند و فقط از سفره گسترده بوی شک می شنوند. به این ترتیب بود که بر سر این اباطیل بیش تر هوار شد حرفی و بیش تر اسمی سر زبان افتاد تا که حقی بر کرسی بنشیند و اما تکرار توک متقدان که از نوشته هاشان پندها گرفته ام و نکته های درست ندهاشان رعایت کرده ام چنان دیر از خواب بیدار شدند که به بیداری این دفتر باورم شد. باورم شد که این صفحات مشوش، بر خلاف انتظار نویسنده اش، لیاقت این را داشته است که هنوز پس از شش هفت سال قابل بحث باشد. من خود گمان می کردم که تنها بحثی از مسأله روزی است و دست بالا یکی دو سال بعد برد اما می بینید که درد هم چنان در جوارح هست و بیماری دایره سرایت خود را روز به روز می افزاید. این است که با همه حکم ها و قضاوتها و برداست های ستاب زده ای که دارد، باز به انتشارش رضا دادم و می بخشید اگر پس از گذر از این همه صافی، هنوز هم قلم گستاخ است و هم چنان امیدوارم که حفظ کنیدش از دستبرد الخناسان روزگار که اعوان شیاطین اند.